**رودکی یا رودگی**

**معین، محمد**

دربارهء تلفظ این نسبت بین خاورشناسان اختلاف است:

اته‏1،دارمستتر2،پیکرینگ‏3،پیتزی‏4،فریله‏5،کریمسکی‏6،جاکسن‏7 لوی‏8،و هنینگ‏9،این نام را«رودکی»(باکاف پارسی)خوانده‏اند.

فن هامر10،شفر(11)،اربثنت(12)،هرن(13)،راس(14)،هانری ماسه(15)رودکی‏ (باکاف تازی)ضبط کرده‏اند.

بر اون عمل باحتیاط کرده،در ترجمهء حال رودکی نوشته است(16):«ابو عبد اللّه‏ (6)- A.Ksimsky در«تاریخ ایران و ادبیات و تصوف آن»ج 1 شمارهء 2،چاپ مسکو 1914 م.ص 176-181.

(7)-. ص 176-181

 (13)- و نیز مقدّمهء لغت فرس اسدی چاپ گتنگن 1897 م.ص 18-19.

جعفر بن محمد الروذکی(ar-Rawdhaki)که غالبا رودکی(Rudaki)یا رودگی‏ (Rudagi)نامند.»در اینکه اصل کلمه ذال منقوطه است(طبق قاعدهء دستور زبان‏ فارسی)شکی نیست،و کاف تازی درین کلمه نیز اصح مینماید،چه اگر در اصل گاف‏ (کاف پارسی)بود،مانند بسیاری از نظایر خود،در تعریب تبدیل به جیم«رودجی»یا قاف«رودقی»و قریهء منسوب الیها«رودج»یا«رودق»میشد،و حال آنکه در هیچیک از مآخذ موجود این صورت دیده نشده است.

آقای مینورسکی‏1در انتقادی که بر کتاب«ایران در ازمنهء اولی اسلامی» تألیف اشپولر2نوشته‏3،صحیح کلمه را«رودک»دانسته،و در مذاکرهء شفاهی که‏ با ایشان در 13 اردیبهشت 1333 در تهران شده و دلایل خود را بدیشان عرضه‏ داشتم،تلفظ«رودکی»را تأیید کردند.بعدا نیز استاد مینورسکی در نامهء مورخ‏ 6 ژانویهء 1955 در پاسخ نگارنده نوشته‏اند:«رودگی(کماهو)با«گ»اسم خیلی‏ عجیب بنظر میآید،ولی اگر مسقط الرأس شاعر در«پنج رودک»یا«رودک»سمر قند بوده،رودکی(با (K خیلی طبیعی است.»

سمعانی در انساب آرد:« الروذکی بضم الراء و سکون الواو و فتح الذال المعجمة و فی آخرها الکاف،هذه النبسة الی روذک و هی ناحیة بسمر قند و بها قریة یقال لها «بنج»و هذه القریة قطب روذک،و هی علی فرسخین من سمر قند و المشهور منها الشاعر الملیح القول بالفارسیة، السائر دیوانه فی بلاد العجم،ابو عبد اللّه جعفر بن محمد ابن حکیم بن عبد الرحمن بن آدم الروذکی الشاعر السمر قندی،کان حسن الشعر متین القول،قیل انه اول من قال الشعر الجید بالفارسیة.و قال ابو سعد الادریسی الحافظ:

ابو عبد اللّه الروذکی کان مقدما فی الشعر بالفارسیة فی زمانه علی اقرانه...و کان‏ ابو الفضل البلعمی وزیر اسمعیل بن احمد و الی خراسان یقول:لیس للروذکی‏ فی العرب و العجم نظیر،و مات بروذک سنة تسع و عشرین و ثلثمایة»4.

(1)- V.Minorsky

 اشپولر نیز نسبت شاعر را«رودگی»و مولد او را«رودگ»نوشته است.

(3-). (4-)انساب سمعانی چاپ مار گلیوث 1912 ص 262 a .

یاقوت در معجم البلدان گفته:«بنج بالفتح ثم الضم و جیم،من قری روذک من‏ نواحی سمر قند و هی قصبة ناحیة روذک،من هذا القریة کان ابو عبد اللّه الروذکی‏ الشاعر.»

و همو در حرف راء آرد:«روذک بضم اوله و سکون ثانیه و ذال معجمة مفتوحة و آخره کاف،من قری سمر قند».

در کتاب الفتح الوهبی که شرح شیخ منینی است بر تاریخ یمینی(مؤلف در 1144-1147)آمده‏1:«و الروذکی بضم الراء و سکون الواو و فتح الذال المعجمة فی آخره کاف مسکورة قبل یاء النسب،ابو عبد اللّه جعفر بن محمد بن حکیم بن‏ عبد الرحمن بن آدم الروذکی...»

از سوی دیگر این دو بیت منسوب بنظامی عروضی مؤلف چهار مقاله مؤید تلفظ مذکور(کاف تازی)است:

ای آنکه طعن کردی در شعر رودکی‏ این طعن کردن تو ز جهل و ز کودکی است‏ کان کس که شعر داند،داند که در جهان‏ صاحب قران شاعری استاد رودکی است‏2

همهء مآخذ فارسی و عربی نام مورد بحث را با کاف تازی ضبط کرده‏اند.

(1-)چاپ مصر ص 25.

(2-)لباب الالباب عوفی چاپ لیدن ج 2 ص 7؛تعلیقات چهار مقاله‏ باهتمام نگارنده ص 473.